

بررسی دیدگاه‌های دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه در مورد معیارهای اجتماعی - آموزشی انتخاب مدرسه غیردولتی

خدیجه بزرگی نژاد^۱، رضا زارعی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۱۲ صص: ۲۶۰-۲۴۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۱۴

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی دیدگاه‌های دانش‌آموزان دختر دوره‌ی متوسطه در مورد معیارهای اجتماعی-آموزشی انتخاب مدرسه‌ی غیردولتی انجام شد. روش انجام تحقیق کمی و از نوع توصیفی - پیمایشی بود. جامعه آماری، دانش‌آموزان دختر پایه‌ی یازدهم مدارس غیردولتی شهرستان فیروزآباد بود. حجم نمونه با جامعه مساوی و تعداد ۱۱۹ دانش‌آموز بود. ابزار مورد استفاده، پرسش‌نامه محقق ساخته در دو بعد اجتماعی-آموزشی شامل چهار مؤلفه‌ی اجتماعی (امور پرورشی، امور انگیزشی، ویژگی‌های معلمان و نتایج مدرسه) و پنج مؤلفه‌ی آموزشی (امکانات فیزیکی و آموزشی، کیفیت آموزشی، فناوری اطلاعات، ارزشیابی مستمر و مدیریت مدرسه) با ۴۵ شاخص بود. نتایج نشان داد که دانش‌آموزان، مؤلفه‌ی مدیریت مدرسه را مهم‌ترین معیار انتخاب مدرسه غیردولتی می‌دانند. هم‌چنین ویژگی‌های معلمان و امور انگیزشی در اولویت‌های بعدی قرار گرفت. ضمن این‌که از ۴۵ شاخص پرسش‌نامه، شاخص‌های آشنایی مدیر مدرسه با شیوه‌های علمی مدیریت، برخورداری از معلمان متخصص و ارتباطات دائمی معلمان با اولیاء، از دیدگاه دانش‌آموزان حائز بیشترین اهمیت بودند. در مجموع معیارهای اجتماعی با میانگین ۵/۰۴ و معیارهای آموزشی با میانگین ۵/۰۰ در انتخاب مدرسه دخالت داشتند.

واژه‌های کلیدی: مدرسه‌ی غیردولتی، معیارهای اجتماعی، مدیریت مدرسه، ویژگی‌های معلمان، دانش‌آموز دختر.

مقدمه

^۱ دانشجوی دوره دکتری گروه مدیریت آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

^۲ استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

* نویسنده مسئول، رایانامه: zareireza955@gmail.com

آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان از دیرباز مورد توجه جدی جوامع مختلف بوده است. این جریان از ابتدا به صورت غیررسمی و با هدف خردورزی، کسب دانش و ادب آغاز گردید و با گذشت زمان شکل رسمی تری به خود گرفت. لذا ساختار آموزش و پرورش، برنامه‌ی درسی، اهداف، شیوه‌ها و سیاست‌های حاکم بر آن در زمان‌های مختلف با یکدیگر متفاوت هستند. تا اواخر قرن بیستم پرورش عقلی، عاطفی، جسمی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی دانش‌آموزان، فرهنگ‌پذیری، جامعه‌پذیری، انتقال میراث فرهنگی و آماده کردن افراد برای ایفای نقش شغلی از مهم‌ترین کارکردهای آموزش و پرورش به حساب می‌آمد. با وقوع تحولات گسترده در قرن بیست و یکم، آموزش و پرورش پیوند عمیق تری با جامعه و خانواده دارد و کارکردهای جدیدتری مانند نظارت اجتماعی، دگرگونی و نوآوری در جامعه، تأمین بهداشت روانی و سلامت روحی افراد جامعه، تربیت نیروی مسئولیت‌پذیر، خلاق، قانون‌گرا، مشارکت‌جو و دارای اعتماد به نفس مورد تأکید است.

از مهم‌ترین ویژگی‌های آموزش و پرورش قرن بیست و یکم عبارت است از تقویت پاسخ‌گویی نظام آموزشی از نظر سرعت، صلاحیت و تعهد، افزایش سرمایه‌گذاری برای تقویت استعدادها، حرفه‌آموزی، شکل‌گیری روش زندگی انسان‌ها، توسعه‌ی ارزش‌های اجتماعی و آرزوی انسان‌ها، سطح موفقیت هر فرد در اقتصاد، حاکمیت اقتصاد دانش در دنیای جهانی، توسعه‌ی مؤثرتر منابع طبیعی و انسانی و ایجاد جامعه‌ی یادگیرنده است (Niaz Azari, 2016). در چنین شرایطی مدرسه به عنوان یک سازمان رسمی کارکردهای اجتماعی تری پیدا می‌کند. در جوامع امروزی جریان پرورش کودکان از خانواده‌ها آغاز می‌شود، ولی سازمانی اختصاصی یعنی مدرسه این وظیفه را به طور رسمی به عهده دارد، لذا رشد و پرورش دانش‌آموزان در ابعاد جسمی، شناختی، عاطفی و اجتماعی وظیفه‌ی مدرسه است (Alagheband, 2011).

مدرسه‌ی امروز مکانی امن و غنی شده از برنامه‌های آموزشی و پرورشی برای همه‌ی دانش‌آموزان است و نقش آن علاوه بر ارتقای دانش و مهارت دانش‌آموزان، ایجاد آمادگی در آن متناسب با انتظارات مسئولیت‌ایفای حال و آینده‌ی جامعه است. در این مدرسه، تلاش بر آن است که ضمن آموزش علوم مختلف، فرصت‌های علمی و عملی بیشتری در تقویت مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان ایجاد شود و به‌طور کلی مهارت‌های لازم برای داشتن یک زندگی موفقیت‌آمیز در جامعه، با در نظر گرفتن معیارهای ارزشی و اسلامی و تحولات اجتماعی به دانش‌آموزان آموزش داده شود (Haji Babayi, 2012).

با افزایش تعاملات اجتماعی، پیوند عمیق بین خانه، مدرسه و جامعه ضروری‌تر از قبل احساس می‌شود؛ زیرا کیفیت آموزش و پرورش بر کیفیت زندگی مردم تأثیر دارد. در همین راستا ملاک‌های

اصلی یک مدرسه‌ی خوب نیز با تغییرات اساسی روبرو شده، لذا یکی از دغدغه‌های مهم والدین، انتخاب یک مدرسه خوب برای تحصیل فرزندان خود است و یکی از مسئولیت‌های نهاد آموزش و پرورش شناسایی نیازهای جامعه و اولویت‌های والدین و تلاش برای کاهش دغدغه آنان است. مطالعه‌ی تاریخچه‌ی آموزش و پرورش نشان می‌دهد که مدارس در ابتدایی‌ترین شکل خود توسط بخش خصوصی اداره می‌شد و بیشترین زمان آموزش کودکان در کنار خانواده انجام می‌گرفت. آتشکده‌ها و مدارس درباری نیز آموزش‌هایی را برای کودکان منظور می‌داشتند که در انحصار افراد و طبقات خاص بود. دولت‌ها کوتاه زمانی است که آموزش و پرورش را به‌عنوان وظیفه‌ی خویش تعریف نموده‌اند و به دلیل مزایای اقتصادی - اجتماعی مترتب بر آموزش برای کل کشور، در ارائه‌ی آموزش کیفی به فرزندان ملت اهتمام کرده‌اند (Azizi, Jafari, Farzad & Senobari, 2013). اوج دخالت دولت‌ها در آموزش و پرورش مربوط به قرن بیستم است. این قرن را می‌توان قرن گسترش کمی آموزش و پرورش دانست. نهضت «آموزش برای همه»^۱ با سند مهم یونسکو، کشورهای درحال توسعه از جمله ایران را بر آن داشت که راهکارهای متعددی برای گسترش کمی آموزش و پرورش اتخاذ نمایند. در این سند پنج گروه به‌عنوان گروه‌های هدف در برنامه‌ریزی بودند و شش هدف زیر را دنبال نمودند (Homafar & The Authors' Group, 2005).

- ۱- آموزش و پرورش پیش از دبستان
- ۲- آموزش و پرورش ابتدایی و راهنمایی
- ۳- آموزش و پرورش استثنایی (معلولیت ویژه)
- ۴- کودکان خارج از مدرسه (سرپرست خانواده، کودکان کار)
- ۵- سوادآموزی و آموزش بزرگسالان
- ۶- برابری جنسیتی

تعدادی از اقدامات صورت گرفته در کشور ایران در راستای سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و اجرای سند EFA شامل گسترش مدارس شبانه‌روزی، اعزام معلمان زن به روستاها، گسترش آموزش خانواده در روستاها، اجرای طرح روستا مرکزی، شناسایی دانش‌آموزان خارج از مدرسه با همکاری شورای روستاها، راه‌اندازی مدارس آموزش از راه دور بود. تمرکز بیش از حد بر گسترش کمی آموزش و پرورش، کشورها را با بحران منابع مالی و کاهش کیفیت مدارس مواجه نمود. یکی از راه‌حل‌های مشترک کشورهای درحال توسعه، فراخوانی مجدد مشارکت‌های مردمی و استفاده از منابع غیردولتی برای تأمین بخشی از هزینه‌های آموزش و پرورش بود. گرایش جهانی برای کاهش نقش دولت و

تحول در نگرش‌های اقتصادی در طی دو دهه‌ی پایانی قرن بیستم سبب تسریع روند خصوصی‌سازی آموزش در بسیاری از کشورها شد (Madandar arani, Kakia & Moazeni, 2013) به‌هرحال درستی سیاست خصوصی‌سازی آموزش، بیش از گذشته تثبیت شده است و برای غلبه بر شکاف کیفیتی مدارس، مشارکت بخش خصوصی در حال افزایش است؛ لیکن هنوز هم آموزش و پرورش یک امر حاکمیتی تلقی می‌شود و بخش عمده‌ی آن در دست دولت‌ها است.

در قرن بیست و یکم نهضت «آموزش برای همه» جای خود را به «موفقیت برای همه»^۱ داده است. در نهضت آموزش برای همه، کانون توجه بر تغییرات و نوآوری‌ها، به‌ویژه در نظام درسی، تربیت‌معلم، افزایش پوشش دانش‌آموزی بود و در نهضت موفقیت برای همه، کیفیت یک چالش اساسی در آموزش و پرورش است و کانون توجه به مدرسه و محیط یادگیری معطوف شده است (Alagheband, 2011). تعریفی که بانک جهانی از کیفیت آموزش می‌دهد، دربرگیرنده‌ی دو مؤلفه، محیط یادگیری و عملکرد دانش‌آموزان^۲ است. محیط یادگیری بازتابی از درون داده‌ها و فرآیندها است و شامل امکانات فیزیکی، ابزار و تجهیزات لازم برای تدریس و یادگیری، معلم مسلط بر موضوع درسی و مجهز به فنون تدریس، موضوع درسی یا برنامه‌ی درسی، ظرفیت و انگیزه‌ی یادگیری دانش‌آموز و زمان لازم برای یادگیری می‌شود (Machayekh, 2002).

(Young, Winn, Kathleen Reedy, 2017؛ Darrow, Alice-Ann, 2016) شاخص‌های مورد تأکید لایحه‌ی (ESSA^۳) را مشارکت دانش‌آموز، مشارکت معلم، آمادگی پس از تحصیلات متوسطه، دسترسی دانش‌آموزان به کار عملی پیشرفته، جو و امنیت مدرسه و سایر شاخص‌هایی که نیازمندی‌های قانون را برطرف می‌کند و توسط ایالت‌ها معین می‌شود، بیان می‌نمایند. این لایحه شامل «قانون موفقیت برای هر دانش‌آموز» است و شاخص‌های سنجش کیفیت مدارس امریکا در سال تحصیلی 2017-2018 را معرفی می‌کند. (Salomon, 1996) محیط یادگیری را مجموعه موقعیت‌های فیزیکی، کلیه‌ی رفتارهای مورد قبول، همه‌ی انتظارها و امور خاص، کلیه‌ی اجزای محتوای خاص آموزش و اهداف تعریف شده می‌دانند. به بیانی دیگر، محیط یادگیری شامل همه‌ی اشیاء، زمینه‌ها و رفتارهای بازیگرانی است که در توسعه، اجرا و ارزشیابی فرآیندهای کاری آن محیط نقش دارند و در دو بعد فیزیکی و فرهنگی جلوه‌گری می‌کند. عوامل و مؤلفه‌های موجود می‌توانند معیارهای مهمی در کیفیت سنجی، رتبه‌بندی و انتخاب مدارس باشند.

1 Success For All

2 Learning environment and student outcomes

3 The every student success Act

(Saraf, 2005) معتقد است که محیط‌های آموزشی و پرورشی مدرسه از قبیل کتابخانه، آزمایشگاه، کارگاه و ... می‌توانند در ایجاد انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر باشند. حتی فضاهای بهداشتی، وضوخانه، سرویس آبخوری، بوفه‌های دانش‌آموزی، زمین‌های ورزشی و ... در نهایت در کیفیت مدرسه مؤثر هستند. حتی توجه به کیفیت میز و نیمکت مناسب، رنگ، کلاس‌ها و آراسته بودن مدرسه، جهت تقویت روحیه‌ی دانش‌آموزان و معلمان از نمادهای کیفیت هستند. عوامل درونی اثرگذار در مدرسه مطابق سند تحول، مدیر، معلم، دانش‌آموز، کارکنان، فضا و تجهیزات است. در این میان مهم‌ترین ارکان مدرسه، مدیریتی است که دارای دیدی کلان نگر، علاقه‌مند به تغییر، هدایت‌گر، مناسب با شرایط کاری، دارای کارایی شخصی و میان فردی بالا، بااخلاق و شفاف در اجرای امور ارتباطات، محرک توانمندی‌های سرمایه‌ی انسانی، تقویت‌کننده‌ی مشارکت‌پذیری افراد و هدایت‌گر فعالیت‌ها تا رسیدن به اهداف در سطوح عالی است (Haji Babayi, 2012). هم‌چنین اعتماد دانش‌آموزان به معلمان، فرآیند یادگیری را تسهیل می‌کند که ویژگی‌های ساختاری، فردی و فرهنگی معلم و مدرسه می‌تواند این اعتماد را افزایش دهد. هم‌چنین تخصص معلمان و ایجاد ارتباط مؤثر با اولیا موجب افزایش اعتماد می‌گردد.

یکی دیگر از عناصر برنامه‌ی درسی، ارزشیابی است. ارزشیابی مستمر را می‌توان بخشی از فرآیند یادگیری دانست که تمرکز آن بر شیوه‌ی یادگیری دانش‌آموزان است نه نتایج آن‌ها و دستورالعمل صریح یا ضمنی برای فعالیت‌های آینده‌ی معلم در کلاس است (Hajebi, 2017). امور انگیزشی نیز در صورتی که به شکل عادت استفاده نشود، تأثیر بسزایی در کیفیت بخشی به مدرسه دارد. تأثیر تشویق در هر نوع یادگیری، به مراتب بیشتر از تنبیه است؛ زیرا تشویق علاوه بر این که به افزایش انگیزه‌ی دانش‌آموز و مداومت در کاری خاص منجر می‌شود، تأثیر بسزایی نیز در افزایش رغبت و شوق به تحصیل، محرکی قدرتمند برای بروز خلاقیت و عامل ایجاد نشاط روحی و روانی می‌گردد.

محیط‌های غنی‌شده با فناوری اطلاعات نیز اثر مثبت بر روی نگرش دانش‌آموزان در زمینه‌ی انگیزه، خلاقیت و اهمیت رایانه دارد. درک نگرش دانش‌آموزان نسبت به یادگیری الکترونیکی می‌تواند به ایجاد فضای یادگیری مناسب برای آموزش منجر شود و این نگرش نسبت به فناوری باعث خود کارآمدی بهتر در دانش‌آموزان می‌شود (Shahabi & Yazdani, 2017). هم‌چنین نتایج مدرسه عامل مهمی در ارزیابی کارایی مدرسه است. کارایی درونی مدرسه بر اساس نتایج پایان دوره‌ی تحصیلی مانند امتحانات نهایی سنجیده می‌شود و کارایی بیرونی بر اساس برون‌دادهای نظام آموزشی مانند قبولی کنکور، آثار علمی و دستیابی به اهداف علمی در ارتباط با محیط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

حوزه‌ی پرورشی مدرسه نیز بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که کارکرد آن، زمینه‌سازی فرهنگی و پرورشی برای تکمیل و تسهیل نظام یاددهی - یادگیری و توانمند ساختن دانش‌آموزان برای مواجهه با چالش‌های فرهنگی - اجتماعی جهت تکوین و تعالی مداوم هویت فرد از طریق طراحی، اجرا و استفاده از برنامه‌ها، خدمات، کالاها و فضای فرهنگی و تربیتی جذاب دانش‌آموزان است (Eskandari, 2012). نهایت این که کیفیت آموزشی برحسب اهدافی که برای نظام آموزشی تعیین شده و انتظاراتی که از نظام آموزشی وجود دارد سنجیده می‌شود. کیفیت در حوزه تدریس، به درجه انطباق و سازگاری هر یک از شاخص‌ها و ویژگی‌های اصلی کیفیت تدریس با استانداردها و خصوصیات مطلوب و متعالی درج شده در نظریات مختلف اشاره دارد (Mohammad zadeh kamali & Sabagh, 2017).

(Nikpoor, Bolhasani & Najafi, 2015) در تحقیق خود معیارهای نه‌گانه، مالی، اداری، آموزشی، فرهنگی، ورزشی، نیروی انسانی، ایمنی، روابط برون‌سازمانی و بهداشت را برای رتبه‌بندی مدارس ابتدایی شهرستان فیروزکوه استفاده نموده‌اند. (Mahdikhani, 2015) سه شاخص آموزشی، پرورشی و اداری - مالی با زیر شاخص‌های آن‌ها را مورد بررسی قرار داده و الگویی به‌منظور ارزیابی عملکرد و رتبه‌بندی مدارس متوسطه‌ی دوم ارائه نمودند.

(Tavoli, 2014) نشانگرهای خود برای رتبه‌بندی مدارس را مؤلفه‌های درون داد، فرآیند و برون داد تنظیم نمود. (Moazami Goodarzi, 2013) تعداد ۳۷ شاخص کیفی را در مؤلفه‌های فرهنگ‌سازمانی، کارایی آموزشی، اثربخشی، زیرساخت، تربیتی و پرورشی، تدوین و مورد بررسی قرار دادند.

(Imani and Mohammadi, 2012) ویژگی‌های سیزده‌گانه‌ای برای مدارس توانمند را مورد تحقیق قرار دادند که بالاترین میانگین از دید مدیران مربوط به استفاده از فناوری جدید، داشتن معلمان توانمند، فضا و تجهیزات و امکانات آموزشی در مدرسه بود و از نظر معلمان اولویت با دانش معلمان توانمند، کنترل و ارزشیابی تقویت‌کننده، فضا، تجهیزات و امکانات آموزشی در مدرسه بود. (Pahang; Mahdiun and Yarigholi, 2017) ده عامل مؤثر بر کیفیت مدارس شامل عوامل

محیطی، ویژگی‌های معلم، امکانات و تجهیزات، مدیر مدرسه، ویژگی‌های دانش‌آموز، روابط انسانی، خانواده، اهداف آموزشی و محتوای تدریس، منابع و روش تدریس را از دیدگاه متخصصان استخراج و وضعیت موجود مدارس را مورد بررسی قرار دادند. (Hasani; Jamali; Taghipoor & Rahgozar, 2017) همه شاخص مربوط به نتایج شامل شاخص عمودی (درصد قبولی و میانگین نمرات)، شاخص پیشرفت تحصیلی (فارغ‌التحصیلی، معدل کتبی، درصد قبولی دانش‌آموزان) و شاخص فقر تحصیلی

(تکرار پایه، ترک تحصیل، معدل کمتر از ۱۰) را برای رتبه‌بندی مدارس متوسطه کشور پیشنهاد نمودند.

آموزش و پرورش کشور ایران نیز با فعالیت بخش خصوصی آغاز شده است و مشارکت مردم در آموزش کودکان و پرورش فرزندان خود در کنار بخش دولتی مهم تلقی می‌شود، البته پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران یعنی از سال ۱۳۵۷ فعالیت مدارس غیرانتفاعی به مدت ده سال متوقف گردید. نسل جدید مدارس غیردولتی از سال ۱۳۶۷ با دو هدف اصلی شروع به فعالیت نمودند. نخست جذب مشارکت بخش خصوصی که کاهش بار مالی دولت از هزینه‌های هنگفت آموزش و پرورش را به دنبال داشت و دوم دست‌یابی به عدالت آموزشی از طریق افزایش کیفیت آموزشی، ارضای نیازهای فراگیران و مردم، ایجاد تنوع در محتوا و خدمات آموزشی، تنوع در روش‌های عرضه‌ی مطالب به دانش‌آموزان که همه‌ی این موارد منجر به کاهش فشارهای ناشی از انتظارات مردم از دولت و استحکام بیشتر نظام آموزشی خواهد شد.

(Bagherzadeh and Khazei, 2010) بیان می‌کنند، برنامه‌هایی که در سطح تمام مدارس غیرانتفاعی اجرا می‌شود، سه بخش است. بخشی از آن تجویزی است و شامل قانون و مقررات و بایدها و نبایدهایی است که قابل بحث نیست و در تمام مدارس نظارت جدی وجود دارد. شورای نظارت بر مدارس و مراکز غیرانتفاعی در سطح ملی، استان، شهرستان و منطقه تشکیل می‌گردد و مدیران تمام مدارس غیردولتی به‌طور عمده از بین کارکنان رسمی و آشنا به قوانین و مقررات منصوب می‌شود. تخلف در این بخش با مجازات‌هایی نیز همراه است. بخش دوم نیمه تجویزی یا اختیاری است و شامل فعالیت ممکن، فوق برنامه و جبرانی است و بخش سوم نیز غیر تجویزی یا انتفاعی است که با توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان ارائه می‌گردد.

هم اکنون به دلیل گسترش روز افزون تکنولوژی و تحولات سریع و پرشتاب در جهان، افزایش تعاملات اجتماعی بین ملت‌ها و تغییر دیدگاه والدین نسبت به مدرسه و افزایش انتظارات آن‌ها، دولت توانایی لازم برای پاسخ‌گویی به انتظارات دانش‌آموزان، جامعه و والدین را ندارد و تقاضا برای مدارس غیردولتی در حال افزایش است، به این امید که این مدارس بتوانند متناسب با نیازهای ذی‌نفعان، خدمات و برنامه‌های متنوع و باکیفیت ارائه نمایند. یکی از مسائل مهم در این راستا، توجه به رضایت و خواست ذی‌نفعان است که در عدالت آموزشی گنجانده شده است. محیط‌های یادگیری مدارس غیردولتی در کشور ما تا به امروز نتوانسته‌اند محیط یادگیری را با درصد بالایی مورد رضایت مشتریان خود ارائه نمایند و پرداختن به اولویت‌های مشتریان از ضرورت‌های مدارس غیردولتی است.

تحقیق حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال است که:

- از دیدگاه دانش‌آموزان دختر دوره‌ی متوسطه، معیارهای انتخاب مدرسه‌ی غیردولتی کدامند؟
- از نظر دانش‌آموزان دختر دوره‌ی متوسطه، معیارها و شاخص‌های مهم در انتخاب مدرسه‌ی غیردولتی کدامند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر باهدف بررسی دیدگاه‌های دانش‌آموزان دختر دوره‌ی متوسطه در مورد معیارهای اجتماعی - آموزشی انتخاب مدرسه‌ی غیردولتی به روش توصیفی - پیمایشی انجام شد. جامعه آماری، دانش‌آموزان دختر پایه‌ی یازدهم مدارس غیردولتی شهرستان فیروزآباد بود. حجم نمونه با جامعه مساوی و برابر با تعداد ۱۱۹ دانش‌آموز بود. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته بود که ۹ مؤلفه‌ی محیط یادگیری در قالب دو بعد اجتماعی و آموزشی تدوین گردید. بعد اجتماعی شامل معیارهای امور پرورشی، امور انگیزشی، ویژگی‌های معلمان و نتایج مدرسه بود و بعد آموزشی آن شامل معیارهای امکانات فیزیکی و آموزشی، کیفیت آموزشی، فناوری اطلاعات، ارزشیابی مستمر و مدیریت مدرسه بود. برای هر معیار سه شاخص در نظر گرفته شد و در مجموع پرسش‌نامه‌ای با ۴۵ گویه در مقیاس پنج‌گانه لیکرت تنظیم شد. روایی پرسش‌نامه با استفاده از نظر متخصصان اندازه‌گیری گردید. پایایی آن به روش همبستگی درونی و با محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ انجام شد.

جدول شماره ۱ - ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد پرسش‌نامه

ردیف	ابعاد	معیار	ضریب آلفای کرونباخ
۱	اجتماعی	امور پرورشی	۰/۷۵
۲		امور انگیزشی	۰/۷۶
۳		ویژگی‌های معلمان	۰/۷۰
۴		نتایج	۰/۸۳
۵	آموزشی	امکانات فیزیکی و آموزشی	۰/۷۱
۶		کیفیت آموزشی	۰/۶۷
۷		فناوری اطلاعات	۰/۸۸
۸		ارزشیابی مستمر	۰/۷۷
۹		مدیریت مدرسه	۰/۷۲

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد پرسش‌نامه‌ی مورد مطالعه، بالاتر از ۶۵ درصد است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۳ به‌دست آمد.

به منظور انتخاب نوع آزمون‌ها برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا آزمون بررسی نرمال بودن داده‌ها، یعنی آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف (KS) اجرا شد.

جدول شماره ۲ - نتایج آزمون نرمال بودن داده‌های ابعاد پرسش‌نامه

ردیف	ابعاد	معیار	KS	Sig	وضعیت
۱	اجتماعی	امور پرورشی	۱/۳۵۷	۰/۱۷۵	نرمال
۲		امور انگیزشی	۲/۳۰۸	۰/۲۱۷	نرمال
۳		ویژگی‌های معلمان	۱/۳۹۶	۰/۳۲۶	نرمال
۴		نتایج	۱/۴۷۰	۰/۲۲۶	نرمال
۵	آموزشی	امکانات فیزیکی و آموزشی	۱/۷۶۴	۰/۲۰۲	نرمال
۶		کیفیت آموزشی	۰/۵۴۸	۰/۹۲۵	نرمال
۷		فناوری اطلاعات	۱/۳۴۵	۰/۰۹۸	نرمال
۸		ارزشیابی مستمر	۲/۶۸۹	۰/۲۳۵	نرمال
۹		مدیریت مدرسه	۱/۷۰۷	۰/۶۲۵	نرمال

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آزمون t تک نمونه و آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده گردید.

یافته‌ها

از نظر دانش‌آموزان دختر دوره‌ی متوسطه، معیارها و شاخص‌های مهم در انتخاب مدرسه‌ی غیردولتی کدامند؟

به‌منظور بررسی این‌که کدام معیارها در انتخاب مدرسه‌ی غیردولتی اهمیت بیشتری دارند، از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده گردید.

جدول شماره ۳- نتایج حاصل از رتبه‌بندی فریدمن برای اولویت‌بندی مؤلفه‌های مورد مطالعه

رتبه میانگین	معیار	ابعاد	ردیف
۴/۴۷	امور پرورشی	اجتماعی	۱
۵/۱۲	امور انگیزشی		۲
۵/۵۳	ویژگی‌های معلمان		۳
۵/۰۲	نتایج		۴
۴/۹۸	امکانات آموزشی و فیزیکی	آموزشی	۵
۴/۵۱	کیفیت آموزشی		۶
۴/۳۹	فناوری اطلاعات		۷
۴/۷۷	ارزشیابی مستمر		۸
۶/۱۸	مدیریت مدرسه		۹
chi - square = ۴۴/۹۶۲ df = ۸ sig = ۰/۰۰۰			

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، مؤلفه‌ی مدیریت مدرسه، کیفیت معلمان و امور انگیزشی بیشترین اهمیت را در انتخاب مدرسه دارند و فناوری اطلاعات از پایین‌ترین اهمیت در انتخاب مدرسه‌ی غیردولتی برخوردار است.

به‌منظور استخراج شاخص‌های مهم در انتخاب مدرسه‌ی غیردولتی، آزمون فریدمن برای ۴۵ شاخص پرسش‌نامه انجام گرفت.

جدول شماره ۴ - نتایج حاصل از رتبه‌بندی فریدمن برای استخراج شاخص‌های مهم انتخاب مدرسه

ردیف	شاخص	ابعاد	میانگین
۱	تخصص مدیر و آشنایی با شیوه‌های علمی مدیریت	آموزشی	۳۱/۱۱
۲	برخورداری از معلمان متخصص و باتجربه	اجتماعی	۳۱/۰۷
۳	ارتباط مستمر معلمان با اولیاء دانش آموزان	اجتماعی	۳۰/۷۹
۴	وجود امکانات رفاهی دانش آموزان (سرویس رفت‌وآمد، بوفه، آب‌سردکن و ...)	اجتماعی	۳۰/۵۵
۵	تسلط مدیر در برنامه‌ریزی آموزشی و پرورشی مدرسه	آموزشی	۲۸/۷۹
۶	برگزاری جشن‌ها، مناسبت‌ها و اردوهای دانش‌آموزی	اجتماعی	۲۷/۱۳
۷	تعداد فارغ‌التحصیلان پذیرفته‌شده در رشته‌های بالای دانشگاهی	اجتماعی	۲۷/۰۰
۸	تشویق دانش آموزان ساعی و پرتلاش	اجتماعی	۲۶/۶۶
۹	بهداشت و پاکیزگی مدرسه	اجتماعی	۲۶/۳۰
۱۰	برخورداری از کلاس‌های هوشمند و فناوری اطلاعات	آموزشی	۲۶/۱۸
۱۱	برنامه‌ریزی مناسب ارزشیابی‌های مستمر	آموزشی	۲۴/۱۵

همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، اولویت‌های مهم از نظر دانش آموزان شامل شاخص‌های آموزشی و اجتماعی است. دو شاخص مدیریتی در ردیف بالای جدول قرار دارد و تعداد شاخص‌های اجتماعی نیز مورد توجه بیشتری نسبت به آموزشی قرار گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

مدرسه به‌عنوان یک نهاد اجتماعی می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت و هویت دانش آموزان نقش بسزایی ایفا کند، لذا انتخاب یک مدرسه‌ی خوب از اولویت‌های مهم دوران تحصیلی دانش‌آموزان و خانواده‌ی آنان است و اجزای مختلفی از نظام آموزشی و محیط یادگیری دانش‌آموزان می‌توانند معیاری برای انتخاب مدرسه‌ی غیردولتی باشند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، از بین ۹ معیار موردنظر محقق، معیارهای اجتماعی (امور پرورشی، امور انگیزشی، ویژگی‌های معلمان و نتایج مدرسه) با میانگین ۵/۰۴ و معیارهای آموزشی (امکان‌ت فیزیکی و آموزشی، کیفیت آموزشی، فناوری اطلاعات، مدیریت مدرسه و ارزشیابی مستمر) با میانگین ۵/۰۰ در جلب نظر دانش‌آموزان برای انتخاب مدرسه‌ی غیردولتی دخالت دارند. به نظر می‌رسد اگر معیار مدیریت مدرسه با میانگین ۶/۱۸ را از انحصار آموزشی بودن خارج نماییم، میانگین چهار معیار دیگر آموزشی ۴/۷۰ است و معیارهای اجتماعی با میانگین ۵/۰۴ از اولویت بالاتری نسبت به آموزشی برخوردار است.

اگرچه در طول تاریخ بیشترین سابقه‌ی مدرسه مربوط به ادب‌آموزی و انتقال دانش و معلومات به دانش‌آموزان است و به جهت اولویت داشتن جنبه‌های آموزشی، تحصیل در مدارس یکسان و به کار بردن روش‌های یکنواخت همراه با نظم و انضباط، قوانین و مقررات خشک و ارزشیابی‌های سخت، موردپذیرش بود. لیکن واقعیت‌های اجتماعی جهان امروز نشان می‌دهد، قرن بیست و یکم هزاره‌ای است که رویکردهای سخت در نظام آموزشی چندان مورد استقبال جامعه نیست، تصدی‌گری دولت‌ها رو به کاهش و در مقابل، مشارکت مردم در اداره‌ی جامعه و قدرت بخش غیردولتی رو به افزایش است. در همین راستا، عوامل اجتماعی متعددی موجب افزایش گرایش مردم به مدارس غیردولتی می‌گردد، از جمله این‌که:

تحولات سریع و پرشتاب همراه با پیچیدگی و ظهور تکنولوژی‌های پیشرفته، با تأثیرگذاری بر افزایش تعاملات اجتماعی بین ملت‌ها، الگوهای زندگی اجتماعی، اقتصادی و آموزشی را دچار چالش نموده است. هم‌زمان با افزایش آگاهی افراد جامعه، نیازها، انتظارات و آرمان‌های مردم دستخوش تغییرات اساسی گردیده است و برای دستیابی به اولویت‌های خود اصرار می‌ورزند. امروز دانش‌آموزان در خانواده‌های کم‌جمعیت زندگی می‌کنند و اولیای آن‌ها مناسب‌ترین مدرسه برای فرزندان خود را مدرسه‌ای می‌دانند که هم‌راستا با محیط تربیتی خانواده باشد و از مدارس دولتی به دلیل بالا بودن تعداد دانش‌آموزان نمی‌توان انتظار رعایت فاکتورهای مورد توجه خانواده را داشت. اولیا حساسیت و تمایل زیادی به مشارکت در آموزش و پرورش فرزندان خود و توجه به تفاوت‌های فردی آنان دارند و امکان توجه به این مسأله در مدارس پرجمعیت دولتی بسیار ضعیف است. یک‌نواختی محیط فیزیکی مدارس دولتی و یک‌نواختی آن در سه دوره‌ی تحصیلی برای دانش‌آموزان کسالت‌آور است و با توجه به اهمیت سلامت روانی دانش‌آموزان، اولیا به دنبال محیط‌های شاد و با نشاط هستند. تعداد زیادی از مادران دانش‌آموزان، شاغل هستند و مدارس غیردولتی به دلیل یک شیفت بودن در نوبت صبح با ساعت کاری والدین مطابقت دارند. نظارت دقیق بر مسائل بهداشتی مدرسه، رشد اجتماعی، عاطفی و روانی دانش‌آموزان به شدت مورد نظر اولیا و مورد حمایت جامعه‌ی محلی است و مدارس کم‌جمعیت از شرایط مناسب‌تری برای دستیابی به آن‌ها برخوردارند. با توجه به تأثیرگذار بودن مدرسه و گروه همسالان در شکل‌گیری شخصیت و هویت دانش‌آموزان، با گسترش شبکه‌های ارتباطی و تبادلات فرهنگی بین جوامع مختلف و سرعت زیاد مهاجرت به شهرها، معضلات و ناامنی‌هایی برای دانش‌آموزان ایجاد شده و اولیا به دنبال محیط‌های مطمئن‌تری برای فرزندان خود هستند. در مجموع عوامل اجتماعی جدید ایجاب می‌کند که افراد جامعه به سمت مدارس که

برای کسب رضایت مشتریان خود در تلاش هستند، گرایش پیدا کنند. در مقابل لازم است مدارس غیردولتی نیز به دنبال کیفیت بخشی و ایجاد تنوع در فرصت‌های یادگیری باشند.

گسترده بودن مخاطبان آموزش و پرورش و طیف‌های متعدد درگیر با آن، از قبیل دانش‌آموزان، معلمان، اولیا، صاحبان مشاغل، دولت و جامعه، رسیدن به یک دیدگاه مشترک در مورد اولویت‌های کیفیت بخشی مدارس را مشکل می‌سازد؛ لذا برخی از کشورها برای جبران عدم موفقیت خود در این مقوله بر گسترش بخش کمی و توسعه مدارس دولتی تمرکز می‌نمایند.

رشد کمی آموزش و پرورش با توسعه‌ی بخش دولتی، نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای یک جامعه‌ی درحال توسعه باشد؛ چراکه با افزایش سطوح و دوره‌های آموزش اجباری، نیاز به مدرسه‌سازی و تخصیص بودجه‌ی هنگفت به آموزش و پرورش دارد و به‌شدت تحت تأثیر رشد جمعیت سالانه‌ی کشور قرار دارد. به‌علاوه این‌که مسائل بهداشتی، رفاهی، اوقات فراغت و تفریحات سالم این گروه انبوه فراهم نمی‌شود و از کیفیت آموزش و کیفیت معلمان نیز کاسته می‌شود و هزینه‌ی کیفیت‌بخشی گزاف و امکان‌ناپذیر است و مهم‌تر این‌که به دلیل بالا بودن هزینه‌ی ایجاد فرصت‌های متنوع مورد نیاز دانش‌آموزان، دولت‌ها توانایی مالی لازم برای ایجاد این فرصت‌ها را ندارند.

مدارس غیردولتی با مجموعه امکانات و فرصت‌هایی که در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند، این ظرفیت را دارند که شکاف بین وضع موجود و مطلوب کیفیت مدرسه را کاهش دهند و تمرین خوبی برای تمرکززدایی و استقرار مدیریت مدرسه محور باشند. مدارس غیردولتی باید قادر باشند از یک‌نواختی برنامه‌های خود بکهند و با ایجاد تحرک و پویایی، اولویت‌های مشتریان و ذی‌نفعان خود را مورد توجه قرار دهند. دانش‌آموزان به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی مدارس غیردولتی برای انتخاب مدرسه‌ی خود اولویت‌هایی را مورد نظر دارند که توجه به آن‌ها برای سرعت گرفتن روند کیفیت بخشی حائز اهمیت است. همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، اجزای مختلفی از نظام آموزشی و محیط یادگیری دانش‌آموزان می‌توانند معیاری برای انتخاب مدرسه توسط دانش‌آموزان باشند. همان‌طور که نتایج جدول شماره‌ی ۳ نشان می‌دهد، هر ۹ معیار مورد سنجش در این تحقیق می‌توانند یکی از معیارهای انتخاب مدرسه باشند. اگرچه نتایج جدول شماره‌ی ۴ حاکی از آن است که مدیریت مدرسه مهم‌ترین معیار در انتخاب مدرسه‌ی غیردولتی است. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات (Khademi fard et al (2015), Zeinabadi et al (2017), Haji Babayi (2012), Niknami & Mahdian (2009) و Nasoohi (2004) هم‌خوانی دارد. مدارس غیردولتی باهدف افزایش مشارکت بخش خصوصی و دستیابی به عدالت آموزشی فعالیت می‌کنند و لذا مدیریت این مدارس به نوع خاصی از مدیریت نیاز دارد تا بتوانند مسائلی هم چون سازگاری و به‌روز شدن با نیازهای جامعه، تربیت نیروی متخصص، برنامه‌ریزی برای جذب مشارکت‌های مادی و معنوی مردم،

به‌کارگیری متخصصان مشاوره‌ای و علوم تربیتی، برنامه‌ریزی مطلوب مالی برای افزایش کیفیت و بقای مدرسه، پاسخ‌گویی به انتظارات اولیا و دانش‌آموزان در برنامه‌های نیمه تجویزی و غیر تجویزی را به‌خوبی حل نمایند. برای دست یافتن به موارد فوق نیاز است که مدیران مدارس غیردولتی سطح بالایی از مهارت‌های فنی، انسانی و تحلیلی را برخوردار باشند.

در مؤلفه‌ی مدیریت مدرسه، شاخص‌های آشنایی مدیر با شیوه‌های علمی مدیریت، توجه مدیر به برنامه‌ریزی آموزشی و پرورشی و نظم مدرسه، تسلط بر تجزیه و تحلیل و ارائه‌ی گزارش به اولیا، دانش‌آموزان و معلمان، ارزشیابی مداوم عملکرد معلمان و دانش‌آموزان و بازخورد به آن‌ها و حضور دائمی در مدرسه و رسیدگی به مشکلات دانش‌آموزان مورد سنجش قرار گرفت. طبق آزمون رتبه‌بندی فریدمن، شاخص آشنایی مدیر با شیوه‌های علمی مدیریت با رتبه‌ی میانگین ۳۱/۱۱ مهم‌ترین اولویت دانش‌آموزان و تسلط مدیر در برنامه‌ریزی آموزشی و پرورشی با رتبه‌ی ۲۸/۷۹ در اولویت پنجم قرار داشت. اولویت دوم و سوم دانش‌آموزان برای انتخاب مدرسه‌ی غیردولتی، ویژگی‌های معلمان بود که به نوعی با تحقیقات (Imani and Mohammadi (2012)، Dehghanpoor et al (2015) و Zaki (2010) هم‌خوانی دارد. در این مؤلفه، شاخص‌های سابقه و تجربه‌ی معلمان، تخصص در رشته‌ی مورد تدریس، ارتباط دائمی با اولیای دانش‌آموزان، مشارکت دانش‌آموزان در فرآیند یاددهی - یادگیری، رسیدگی به تکالیف آن‌ها و ارائه‌ی مطالب بیشتر و خارج از کتاب مورد سنجش قرار گرفتند. طبق آزمون رتبه‌بندی فریدمن، شاخص تخصص و تجربه‌ی معلمان با میانگین ۳۱/۰۷ اهمیت بیشتری را نشان می‌دهد.

واقعیت‌های امروز آموزش و پرورش کشور حاکی از این است که مدارس غیردولتی به‌جای افزایش مشارکت والدین و توجه به نیازهای جامعه و تلاش برای کیفیت بخشی بیشتر، در حال روی آوردن به منافع و کسب درآمد و بقای مدرسه‌ی خود هستند. از طرف دیگر، دولت نیز به‌جای نقش تسهیل‌گری و نظارت بر کیفیت مدارس، در پی تقویت نظام رسمی آموزش و پرورش کشور از طریق مدارس غیردولتی و کاهش بار هزینه‌های دولت است. لذا پیشنهاد می‌گردد که دولت از یک طرف در راستای تحقق اهداف مدارس غیردولتی و انتظارات و اولویت‌های ذی‌نفعان، معیارهایی برای درجه‌بندی و رتبه‌بندی مدارس تعیین نماید و از طرف دیگر موانعی را مانند گسترش مدارس خاص (تیزهوشان و نمونه دولتی) که با روح حاکم بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم‌سازگار نیست، از سر راه مدارس غیردولتی بردارند و آن‌ها را به رقابت سالم برای افزایش پویایی و تنوع‌بخشی به فرصت‌های یادگیری در مدرسه تشویق نمایند.

References

- Alagheband, A. (2011). Training management arrangements. Tehran, Ravan Publications.
- Azizi, N; Jafari, P; Farzad, V & Senobari, M. (2013). Obstacles to the expansion of private sector participation in education and training in Iran: Case study of nonprofit schools. *Journal of Educational Sciences*, Shahid Chamran University of Ahvaz, 6(1), PP: 75-94.
- Bagherzadeh, A and Khazei, F. (2010). Nongovernmental schools are a symbol of popular contributions. *Program Journal*, No 370, pp: 4-7.
- Checkland, P. (1999). *System thinking, systems practice*, Chichester: John Welley & Sons, LTD.
- Darrow, Alice-Ann (2016). The Every Student Succeeds Act (ESSA): What It Means For Students With Disabilities And Music Educator. *General Music Today*, VOL 30(1), P.P 41-44.
- Dehghanpoor, A; Parsa, A & Mehralizadeh, Y. (2015). Investigating the relationship between school size, school culture and academic achievement among high school students in secondary schools in Ahvaz. *Educational Science*, No 100, pp: 67-98.
- Eskandari, H. (2012). Investigating the relationship between school activities and students' identity dimensions. *Quarterly Journal of Educational Psychology*, No 25, pp: 113-136.
- Hajebi, M. (2017). Study of the relationship between the experiences of high school teachers and continuing education. *New research in humanities*, No 36, pp: 1-18.
- Haji Babayi, H. (2012). The school features I like in light of the document on the fundamental transformation in education. *Educational innovation*, No 42, pp: 51-74.
- Hasani, R; Jamali, A; Taghipoor, Z & Rahgozar, M. (2017). The factor analysis and model of the measurement of the ranking of secondary schools in the country. *Quarterly Journal of Educational Management Research*, 8(4), PP: 41-63.
- Henry, T. (2001), *Creating a place where people want to be*. Middle Ground, 3, 10-16.
- Homafar, MH & the Authors' Group. (2005). *Provincial Education Document for all (EFA)*. Shiraz Printing House. P: 52.
- Imani, M.T and Mohammadi, F. (2012). Identifying the features of high schools and the flexibility of high schools in Tehran. *Quarterly Journal of Educational Management Research*, No 12, pp: 71-106.
- Khademi fard, N; Abbaspoor, A & Hosseinzadeh, M. (2015). Identifying the characteristics and dimensions of Islamic schools in Iran along with providing the ideal model of Islamic school. *New Educational Thoughts*, No 43, pp: 69-94.
- Machayekh, F. (2002). *New perspectives in Educational Planning*. Tehran, samt, Mehr publications
- Madandar arani, A; Kakia, L & Moazeni, B. (2013). Investigating the Factors Affecting the Stopping of Nongovernmental Schools and Providing Solutions for it. *Educational Sciences: Education*, No 115, pp: 109-126.
- Mahdikhani, H. (2015). A model for evaluating the performance and ranking of secondary schools by using multi-indicator decision making ANP-DEMATEL in a fuzzy

environment (case study: Training and education in Mianeh city). First National Conference on Industrial Engineering, 992-1016.

–Moazami Goodarzi, F. (2013). Identification of Tehran University Secondary School Ranking Quality Indices. Islamic Azad University of Roudhen Branch, Master's Thesis.

–Mohammad zadeh kamali, H & Sabagh, S. (2017). Investigating the existing problems of non-traditional teachers in Ticmo Wash area and the impact on educational quality. Sociological studies, No 36, pp: 99-116.

–Nasoohi Dehnavi, M; Ahmadi, SA & Abedi, MR. (2004). The Relationship Between Happiness and School Factors in High School Students. Knowledge and research in applied psychology, No 19-20, pp: 33-50.

–Niaz Azari, K & Taghvae Yazdi, M. (2016). Organizational Culture in the Third Millenium. 2nd edition, Shiveh publication.

–Niknami, M & Mahdiyan, MJ. (2009). Explaining the Dimensions and Components of Effective Schools and Providing a Model for Improving Effectiveness in Schools of the Country. Leadership and educational management, No 7, pp: 171-199.

–Nikpoor, M; Bolhasani, G & Najafi, SE. (2015). Ranking of Elementary Schools in Firoozkooh City Using Analytical Hierarchy Process (AHP). International Conference on Management, Economics and Industrial Engineering.

–Pahang, N; Mahdiun, R and Yarigholi, B. (2017). Assessing the quality of schools and identifying its factors, mixed research. School Management Quarterly, 5(1), pp: 173-193.

–Saraf, A. (2005). Service standardization process. Journal of Administrative Transformation, 8(45).

–Salomon, G. (1996). Studying Novel learning environments as patterns of change. In S. Vosniadou, E. International perspectives on the design of technology supported learning environments, Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

–Shahabi, SM & Yazdani, R. (2017). The use of modern educational equipment and technology based on the Islamic Criterion System (centered on the document on the fundamental evolution of education). New research in humanities, No 19, pp: 77-85.

–Tavoli, Z. (2014). Compilation of standard markers for assessment and ranking of high schools in Damavand. Islamic Azad University of Roudhen Branch, Master's Thesis.

–Young, Michelle. DR Winn, Kathleen. MR Reedy, Marcy. A (2017). The Every Student Succeeds Act: Strengthening The Focus On Educational Leadership. Educational Administration, VOL 53(5) – P.P 705-726.

–Zaki, M.A. (2010). School Organizational Effectiveness Factors and its Relationship with Educational Characteristics of Teachers. Human Sciences Journal of Imam Hossein University, 18(8), PP: 160-194.

–Zeinabadi, HR. Abdolhoseini, B. (2017). A successful school, successful director of a successful study of the findings of the International School of Management (ISSPP) International Project. Educational innovation, No 61, pp: 21-42.